

بقلم : دکتر ناظرزاده کرمانی

وصیت نامه اسرار آمیز پتر کبیر اساس سیاست

قدیم و جدید روسیه را تشکیل میدهد

قرارهای روسیه وصیت نامه پتر کبیر را مودر ایران به موقع اجرا گذاشتند در تاریخ اروپا یک وصیت نامه بدون بنام پتر کبیر وجود دارد که درباره آن گفتگو بسیار است برخی معتقدند که وصیت نامه مزبور حقیقتاً از آن پتر و برنامه جانشینان او برای تسلط بر دنیا است .

برخی هم این وصیت نامه را ساختگی میدانند و می گویند شوالیه دئون آن وصیت نامه را بنام پتر جعل کرده و اینکه می گویند هنگام مطالعه با اجازه کاترین آنرا بدست آورده ام درست نیست .

شایع است که سفر او نمایندگان دولت روسیه تزاری همیشه در میان اسناد محرمانه خود یک نسخه از این وصیت نامه را داشته اند .

هر چه هست این وصیت نامه مشتمل است بر یک مقدمه و چهارده قسمت که هر یک دستوری روشن برای نشان دادن طرز تسلط بر جهان

و از میان بردن موانع این کار است . *روایت کاظمی و مطالعات فرانسوی*

اگر بنخواهید چند سطر از مقدمه این وصیت نامه را (در صورتی که تاکنون ندیده اید خواننده باشید) باین عبارات یا قریب باین مضمون آغاز می گردد

« بنام تالوت بسیار مقدس و تقسیم ناپذیر . . . »

از پتر اول امپراطور و پادشاه صاحب اختیار سر اسر روسیه خطاب بنام اخلاف و جانشینان ما و حکومت های ملت روسیه، خداوند توانا که وجود خود را مدیون باوهستم ما را برگزید تا ملت روسیه را که بیوسته بشورالهی تابناک و بتأییدات آسمانی مؤید بوده است بصورتی در آوریم که نژاد فرمانروانی اروپا گردد و این اندیشه از آنجا در ما پدید آمده که می بینیم بیشتر ملت های اروپائی پیرو فرتوت شده و رو بضعف و فساد نهاده اند .

پس آنچه که فرسار دای گرجستان کیومرثی پیوسته گویید که روسیه



نبرد شکوه اسلانی و مطالبات فرنگی
سال صلح معلوم اسلانی

صفا سبلی قهرمان دوم خروس وزن جهان و قهرمان اول آسیا

این ناتوانی سرعت متوجه آنان میباشد و ما از آن نتیجه می
گیریم که این ملت‌ها با آسانی بدست یک ملت جوان و تازه نفس مغلوب
خواهند شد، بشرطی که این ملت تمام قدرت و نیروی خود را فراهم آورد
دنباله این مقدمه عباراتی از همین قبیل است و آخر آن تصریح
شده که «من این تعالیم را از خود باقی میگذارم و بجان‌نشینانم توصیه

میکنم که همواره آنها را مورد توجه قرار دهند. « در قسمت اول این وصیت نامه یادآوری شده که: «بر دولت روسیه واجب است همیشه ارتش را مانند شمشیر برهنه آماده جنگ داشته باشد در زمان صلح باید امور مالیه اصلاح گردد و در آمد افزایش یابد تا لوازم لازم و تجهیزات کامل چنانکه باید و شاید فراهم شود و بقسمی مہیای جنگ بود که کوئی دست باسلحه در جنبه منتظر شنیدن شروع نبرد است. اکنون که زمان صلح و آرامش است روسیه باید استعداد و تجهیزات خود را چندان نیرومند کند که اگر ناگاہ جنگی پیش آید دیگر احتیاجی به تهیه و تدارک نباشد و همچنین در حین جنگ باید چنان مستعد صلح بود که در هر حال اختیار جنگ و صلح در قبضه اختیار باشد و برای ازدیاد قدرت و نفوذ بتوان بفتح دولت روسیه از هر دو استفاده کرد. »

اما آنچه مستقیماً اظهار نظر درباره ایران است در قسمت نهم وصیت نامه مندرج می باشد:

«... نزدیک شدن با اسلامبول و هند را نا آنجا که ممکن باشد بر خود واجب و لازم شمارید زیرا مسلم است هر دولتی بر اسلامبول دست یابد ممکن است بر تمام دنیا مستولی شود؛ بنا بر این ضرورت جنگهای بی دربی با دولت عثمانی و دولت ایران بوجود آورید... در این موقع برای شما لازم تر از هر چیز است که بضعف و ناپودی دولت ایران بکوشید و هر چه ممکن باشد خود را زود تر به خلیج فارس برسانید و تجارت مشرق را چنانکه پیش ازین در بلاد شاه رواج داشته بدانجا بازگردانید تا بدین وسیله بهندوستان نزدیک شوید، با این تدبیر از طغای انگلیس و از تمام گنجهای دنیایی نیاز خواهید شد.»

ما امروز بجزرات می گوئیم خواه عهدنامه پتر کبیر امپراطور جہا طلب و فاتح و کاردان روسیه یادگار خود او و یا چنانکه عده ای اظهار میدارند منسوب باو باشد، در هر صورت تزارهای روسیه مفاد آن را در ایران بکار بسته اند.

زیرا در سال ۱۸۰۰ میلادی یعنی ۱۲۵۷ سال پیش از این وضعی پیش آمد که فرمانروای گرجستان کیورکی بیوستن گرجستان را بر روسیه



پروفسور کاه علوم انسانی دانشگاه تهران
 در حال جامع کردن الماس

داور مسابقات جهانی هنگامیکه به قهرمانان پیروز تبریک میگوید

اعلام داشت و پل یعنی جانشین کاترین که نخست از تعقیب نقشه کاترین خودداری نمود با کمال میل این هدیه یا بیوستگی را پذیرفت و اعلامیه ای در این باره انتشار داد. از آن زمان ایران گرفتار کشمکش با همسایه هم مرز خود گردید. داوری درباره اینکه آیا پادشاهان قاجار و مردان جنگی آنها در این زد و خورد ها بر استی کوتاهی کرده اند و درخور ملامتند یا نمیتوان

گفت مقتضیات و اوضاع و احوال آنان را محکوم بشکست کرد، مستلزم توضیحاتی است که این نوشته جای بحث درباره آن نیست.

همینقدر باید گفت یکی دو سال بعد از این ماجرا جنگهای تعرضی و دفاعی آغاز شد و دو دوره جنگ منتهی بدو عهدنامه شوم گردید یکی عهدنامه گلستان بسال ۱۸۱۳ که بعد از آن تا ۱۳ سال دیگر جنگی میان روسیه و ایران بوقوع نپیوست اما از سال ۱۸۲۶ یعنی سیزده سال بعد (در ۱۲۴۲ هجری) دوره دوم جنگهای روس و ایران آغاز گردید فتحعلیشاه در سال پیش چون سی سال از دوران سلطنتش گذشته بود سکه صاحبقرانی میزد .

مردم ایران خاصه علماء از نتایج جنگ‌هایی که منتهی بعهدنامه گلستان شده بود ناراضی بودند، زیرا با آنها خبر داده شده بود که روسها نسبت به مسلمانان کجبه و قرا باغ بدرفتاری می‌کنند و بهین جهت بجهد فتوی دادند و مرحوم سید محمود مجتهد اصفهانی از طرف علماء و مردم عتبات به تهران آمد و جنگ باروسهارا از فتحعلیشاه خواستکار شد.

گرفتاریهای داخلی و خارجی فتحعلیشاه کم نبوده است و مخصوصاً ارتباط کشورهای بزرگی که در اروپا بجای یکدیگر افتاده بودند و هر کدام بسرای پیشرفت منظور و حفظ منافع خود توقع و انتظاری داشتند و همچنین اغتشاشات و شورشهای داخلی و طغیان بعضی شاهزادگان قاجار و بدبینی مردم از شکست فتحعلیشاه در جنگ باروسها همه اینها موجب آشفتنگی کار و پریشانی خاطر شاه ایران بود .

در این جنگها ارتش ایران بارها پیشرفت کرد و نزدیک بود به پیروزی قطعی نائل شود .

ولی هر ایرانی که مشروح این جنگها را بخواند و متوجه شود که یکی دو خیانت حکام محلی و اشتباهات کوچک تاکتیکی و بدتر از همه خست ییجای فتحعلیشاه هنگام پرداخت پول برای تجهیزات و اسلحه چگونه جنگی را که به پیروزی نزدیک بود، بشکست خاتمه داد، براستی از تأسف و تأثر خود داری کند. زیرا مثلاد جنگ اچمیازین عباس میرزا که فرماندهی کل را بر عهده داشت ژنرال کراسوفسکی را با پنجمزار پیاده و هزار سوار و دوازده عراده توپ شکست داد و فرمانده نیروی



غلامحسین حیدری پاسبان که در کنگور دانشکده پزشکی تشریفات گردیده
 هنگامیکه رئیس مافوق وی موفقیت او را تبریک میگوید

روسیه زخمی شد اما سر بازان ایرانی بر اینکه سردشمنان را از تن جدا کنند
 آنقدر وقت تلف کردند که روسها مجال آمادگی برای یک حمله متهورانه
 یافتند و آنها را عقب راندند .

بهر حال در روز جمعه سوم ربیع الثانی سال ۱۲۴۳ هنگامی که
 میرفتاح خاغن معروف علمی بر افراشت و به باستقبال ارتش روسیه
 رفت و آنان را به ارك تبریز آورد، دیگر کارچنگ خاتمه و شکست عباس
 میرزا قطعی بود .

شاید فتحعلی شاه در چنگ کیفر دوستی بی فایده ناپلئون را دید که
 حاضر شده بود با او علیه روسیه همکاری کند و البته این همکاری اگر
 ادامه می یافت بزبان انگلیس هم تمام می شد .

مطابق عهدنامه‌ای که میان دولت ایران و انگلستان چندسال پیش از این جنک منعقد شده بود اگر يك دولت اروپایی با ایران حمله ور می‌شد، دولت انگلستان مکلف بود که بوسیله نیروی هندوستان با ایران همکاری کند و اگر همکاری نظامی مقدور نباشد لا اقل سالی دوست هزار تومان پول بعنوان کمک با ایران بپردازد ولی اگر ایران در حمله با دولت اروپایی پیشقدم باشد دولت انگلستان از پرداخت این مبلغ و همچنین کمک نظامی معاف خواهد بود.

در جنک روسیه و ایران انگلیسها مدعی شدند که ایران در جنک با روسیه پیشقدم بوده و بهمین بهانه از پرداخت سالی ۲۰۰ هزار تومان و کمک نظامی سر باز زدند زیرا نمی‌خواستند متفق دیرین خود را بر نجانند. با اینهمه سر جان ما کدونالد سفیر کبیر انگلیس در ایران برای خاتمه جنک میان روسیه و ایران و صلح دو متخاصم از کوشش دریغ نکرده است غیر از عهدنامه شوم ترکمانچای که دره شعبان ۱۲۴۳ هجری در قریه‌ای بهمین نام و در ۱۶ فصل منعقد گردیده يك پیمان تجارتی نیز در ۹ فصل بسته شد.

از: غلامرضا صدیق

خود نویسی فراموش شده

دیشب نگار کلبه تارم بنور خویش
چون برق شهر، روشن و خاموش کرد و رفت
دل جوئیم مراد دلش بسود، کز وفا
آمد نشست و شربت و می نوش کرد و رفت
آدم که می نشست بخلوت سرای دل
پندی نکوش دادم و در گوش کرد و رفت
بنشست در کنار من آنگاه بوسه‌ها
لبهای من ز لعل لبش نوش کرد و رفت
با خود نویسی خویش بد فتر چه ام نوشت
خرم کسی که پند ترا گوش کرد و رفت
گومی که بوسه‌های منش مست کرده بود
کو خود نویسی خویش فراموش کرد و رفت



درعکس بالا آقای دکتر اقبال نخست وزیر و بعضی از آقایان
وزراء قبل از حرکت یلوچستان دیده میشوند
عکس پایین یکی از جلسات هیئت دولت را نشان میدهد